

احكام و تعاليم فردى - امانت

حضرت بهاء الله



امانت

حضرت بهاء الله:

1 - " زينوا رؤسكم باكليل الأمانة والوفاء وقلوبكم برداء التقوى وألسنكم بالصدق الخالص وهياكلكم بطراز الآداب كل ذلك من سجية الإنسان لو أنتم من المتبصرين يا أهل البهَاء تمسكوا بحبل العبودية لله الحق بها تظهر مقاماتكم وتثبت أسمائكم وترتفع مراتبكم وأذكاركم في لوح حفيظ إياكم أن يمنعكم من على الأرض عن هذا المقام العزيز الرفيع قد وصيناكم بها في أكثر الألواح وفي هذا اللوح الذي لاح من أفقه نير أحكام ربكم المقتدر الحكيم " (كتاب اقدس - بند 120)

2 - " هو الله تعالى شأنه العظمة والاعتدال جميع انبيا و اوليا از نزد حق جلّ جلاله مأمور بوده اند که اشجار وجود انسانی را از فرات آداب و دانائی سقايه نمایند تا از کل ظاهر شود آنچه که در ایشان به نفس ایشان من عند الله وديعه گذاشته شده. هر درختی را ثمری مشهود چنانچه مشاهده می شود. شجر بی ثمر لایق نار است و مقصود از آنچه فرموده اند و تعلیم داده اند حفظ مراتب و مقامات عالم انسانی بوده طوبی از برای نفسی که در یوم الهی به اصول الله تمسک جست و از قانون حقیقی انحراف نجست. اثمار سدره وجود امانت و دیانت و صدق و صفا و اعظم از کل بعد از توحید حضرت باری جلّ و عزّ مراعات حقوق والدین است. در جمیع کتب الهی این فقره مذکور و از قلم اعلی مسطور ان انظر ما انزله الرحمن فی الفرقان قوله تعالى "واعبدوا الله ولا تشركوا به شیئاً وبالوالدین إحساناً" ملاحظه نمائید احسان به والدین را با توحید مقترن فرموده طوبی لكل عارف حکیم یشهد ویری و یقرء و یعرف و یعمل بما أنزله الله فی کتب القبل و فی هذا اللوح البدیع " (رساله سؤال و جواب، 106)

2 - " اجعلوا أقوالكم مقدسة عن الزیغ والهوى وأعمالكم منزهة عن الریب والرّیاء... کونوا فی الطّرفِ عَیناً و فی الیدِ أَمیناً و فی اللسانِ صادقاً و فی القلبِ متدکراً " (لوح الحکمة)



TABLET

3 - " كن في النعمة منفقاً وفي فقدها شاكراً وفي الحقوق أميناً ... ولوجه الصدق جمالاً ولهيكل الأمانة طرازاً وليت الأخلاق عرشاً ولجسد العالم روحاً " (لوح عندليب، آثار قلم اعلى، جلد 2، 159 بدیع)

4 - " طراز چهارم في الأمانة إنها باب الإطمینان لمن في الإمكان وآية العزة من لدى الرحمن . من فاز بها فاز بكنوز الثروة والغناء. امانت باب اعظم است از برای راحت و اطمینان خلق . قوام هر امری از امور باو منوط بوده و هست . عوالم عزّت و رفعت و ثروت بنور آن روشن و منیر . چندی قبل این ذکر احلی از قلم اعلى نازل . إنا نذكر لك الأمانة ومقامها عند الله ربك وربّ العرش العظيم . إنا قصدنا يوماً من الأيام جزيرتنا انخضاء فلها وردنا رأينا أنهارها جارية وأشجارها ملتفة وكانت الشمس تلعب في خلال الأشجار . توجّهنا إلى اليمين رأينا ما لا يتحرّك القلم على ذكره وذكر ما شاهدت عين مولى الورى في ذاك المقام الألف الألف المبارك الأعلى . ثمّ أقبلنا إلى اليسار شاهدنا طلعة من طلعات الفردوس الأعلى قائمة على عمود من النور ونادت بأعلى النداء يا ملأ الأرض والسّماء انظروا جمالي ونوري وظهوري وإشراقي . تالله الحقّ أنا الأمانة وظهورها وحسنها وأجر لمن تمسّك بها وعرف شأنها ومقامها وتثبت بذيلها . أنا الزينة الكبرى لأهل البهاء وطراز العزّ لمن في ملكوت الإنشاء وأنا السبب الأعظم لثروة العالم وأفق الإطمینان لأهل الإمكان . كذلك أنزلنا لك ما يقربّ العباد إلى مالک الإيجاد. يا أهل البهاء إنها أحسن طراز لهياكلكم وأبهى إكليل لرؤوسكم خذوها أمرا من لدن أمر خبير " . (لوح مبارک طرازات ص ۲۰ - ۱۹ مجموعه ای از الواح اقدس ابهی)

5 - " إنا أمرنا الكلّ بالأمانة الكبرى يشهد بذلك لساني وقلبي وأركاني والذين يطوفون حولي ثمّ هذا الكتاب المنير . من الناس من نبّذها عن ورائه وبذلك هتكت حرمة الله المتعالي العزيز المنيع " (ص ۱۵۷ ج ۳ امر و خلق)

6 - " يا أحبّاء الله إنّ قلم الصدق يؤصّيكم بالأمانة الكبرى لعمر الله نورها أظهر من نور الشمس قد خسف كل نور عند نورها وضياؤها وإشراقها . از حق میطلبم مدن و دیارش را از اشراقات انوار شمس امانت محروم نفرماید جمیع را در لیلی و ایام بامانت و عفت و صفا و وفا دلالت نمودیم و باعمال طیّبه و اخلاق مرضیه وصیّت کردیم "

(ص ۴۴ اخلاق بهائی - شبیه این نصّ مبارک در ص ۱۴۰ مجموعه اشراقات نیز وجود دارد)

7 - " موج دوم میفرماید یا قوم امروز احسن طراز عندالله امانت است فضل و عطا از برای نفسی که باین زینت کبری مزین گشته " (لوح مبارک امواج ص ۳۶۳ مجموعه الواح حضرت بهاءالله)

8 - " آسمان امر الهی به آفتاب امانت روشن است . به جبل امانت متمسک شو و به ذیل صداقت متشبّث . این دو نیر اعظمند که از افق اعلى طالع شده اند و در آسمان حکم سلطان امکان مشرق و مضمینند . إن شاء الله

باین مقام فائز شوی و بذکر دوست ناطق گردی . إنه لهو الذاکر النَّاصِح العزیز الحکیم " . (ص ۵۴ فضائل اخلاق)

9 - " اگر امروز نفسی بطراز امانت فائز شود عندالله احب است از عمل نفسیکه پیاده بشطر اقدس توجه نماید و بلقای معبود در مقام محمود فائز گردد . امانت از برای مدینه انسانیّت بمثابه حصن است و از برای هیکل انسانی بمنزله عین اگر نفسی از او محروم ماند در ساحت عرش نایبنا مذکور و مسطور است اگر چه در حدت بصر مانند زرقاء یمامه باشد "

(ص ۲۵ ج ۴ مائده آسمانی ط ۱۲۹ بدیع)

10 - " امانت بعد از دیانت از طراز اول مذکور و از کلمه اولی مسطور . نورش بمثابه نور شمس بر جمیع انوار غلبه داشته و دارد . طوبی از برای نفسی که بنورش منور گشت و بر مقامش آگاه شد " (ص ۵۶ فضائل اخلاق)

11 - " اگر احبای الهی بطراز امانت و صدق و راستی مزین نباشند ضرش بخود آن نفوس و جمیع ناس راجع اولاً آن نفوس ابدی محل امانت کلمه الهیه و اسرار مکنونه ربانیّه نخواهند شد و ثانی سبب ضلالت و اعراض ناس بوده و خواهند بود و عن ورائها قهر الله و غضبه و عذاب الله و سخطه " (ص ۱۶۸ مجموعه اقتدارات)

12 - " شخص انسانی را امانت بمنزله سر و راستی بمثابه بصر است و اگر نفسی از این دو محروم شد باسم حیوان مذکور خواهد شد " (ص ۵۲ فضائل اخلاق)

حضرت عبدالبهاء:

1 - " اگر نفسی بجمیع اعمال خیریه قائم ولی در امانت و دیانت ذره ای قاصر ، اعمال خیریه مانند سپند گردد و آن قصور آتش جانسوز شود ... " (ص ۴۸ اخلاق بهائی)

و بعد در همین لوح مبارک خطاب بجناب حاج آقا علاقبند میفرمایند :

2 - " امانت عندالحق اساس دین الهیست و بنیاد جمیع فضائل و مناقب است اگر نفسی از آن محروم ماند از جمیع شوون محروم . باوجود قصور در امانت از ایمان و دیانت چه ثمری و چه اثری و چه نتیجه و چه فائده ای " (ص ۴۸ اخلاق بهائی)

3 - " عبدالبهاء کلّ احباً را نصیحت مینمایند بلکه عجز و زاری میکند که حرمت امر الله را محافظه نمائید و عزّت نفوس را محافظه کنید تا اهل بهاء در بین کلّ ملل مشهور و معروف بامانت و دیانت گردند و خدمتی الیوم اعظم از این نه و خلاف آن تیشه بر ریشه امرالله است نَعُوذُ بِاللّهِ مِنْ هَذَا الذَّنْبِ الْعَظِيمِ أَسْأَلُ اللَّهَ بِأَنْ يَحْفَظَ أَحِبَّائَهُ مِنْ هَذَا الظُّلْمِ الْمُبِينِ "

(لوح مبارک که در صفحه ۱۵۸ ج ۳ امر و خلق)

4 - " در خصوص معاملات احبّاء با یکدیگر مرقوم نموده بودید این مسأله اهمّ امور است و این قضیه را باید نهایت اهتمام داد یاران الهی باید با یکدیگر در نهایت امانت و دیانت معامله نمایند و هر کس در اینخصوص قصور کند از نصایح جمال مبارک و از وصایای الهی رو گردان است اگر انسان در خانه خود با متعلّقان و یاران در نهایت امانت و دیانت معامله ننماید با بیگانگان هر چه بامانت و راستی معامله کند بی ثمر و نتیجه ماند . اول باید معاملات داخلیّه را منتظم کرد بعد بخارج پرداخت نه اینکه گفت آشنایان را اهتمام نباید و ایشان را در امانت با یکدیگر چندان اهمیتی لازم نه ولی باید با بیگانگان درست رفتار کرد . این اوهام است و سبب خسران و زیان . طُوبَى لِنَفْسٍ أَشْرَقَتْ بِنُورِ الْأَمَانَةِ بَيْنَ الْعُمُومِ وَكَانَتْ آيَةَ الْكَمَالِ بَيْنَ الْجُمْهُورِ "

(ص ۱۵۹ ج ۳ امر و خلق)

5 - " عدم دیانت و امانت تیر پر زهری است که بجرگاه و دل و جان عبدالهء میخورد" (ص ۴۹ اخلاق بهائی)